

تاثیر میلی بر آمریکای جنوبی

تجربه‌دولت آرژانتین با «اقتصاد اره برقی» (تمثیلی برای مهار هزینه‌ها) به‌رغم مناقشات بسیار، موفقیت‌هایی را در پی داشته است. خاویر میلی، رئیس جمهور آرژانتین و معمار این طرح در آستانه انتخابات میان دوره‌ای در اکتبر امسال به‌طور قابل توجهی محبوب مانده است. رخدادهای آرژانتین دوموضوع مهم در آمریکای جنوبی را بر جسته می‌کند. یکی دردناک بودن انتخاب‌هایی است که در زمان بر خورد با امور مالی عمومی ناکارآمد باید گرفته شود. دیگری ظهور دوباره احتمالی سیاستمداران راست‌گرا در انتخابات کلیدی در برزیل، کلمبیا و پرو از حالا تا اواخر سال ۲۰۲۶ است. این دو موضوع به شیوه‌های متفاوتی اتفاق خواهند افتاد. در شیلی و پرو، کشورهایی که در آنها کمترین نیاز به رادیکالیسم مالی وجود دارد، انتخابات‌ها ممکن است بدون هیچ اثر بزرگی بر سیاست‌های اقتصادی به سمت راست‌گرایان بچرخند. از سوی دیگر، در برزیل و کلمبیا، جایی که داینامیک بدهی عمومی علناً ناپایدارتر است، یکپارچه‌سازی ملی صرفاً به چرخش به راست‌گرایان متکی نیست بلکه به تمایلی شبه‌میلی برای تصمیم‌گیری‌های سخت نیاز دارد. ناکارآمدی اقتصاد آرژانتین از خیلی جهات منحصربه‌فرد است. این کشورها حالا در بیست‌وسومین توافق خود با صندوق بین‌المللی پول قرار دارند (کرودی که تاکنون دست پاکستان بود) و بیش از ۵۰ میلیارد دلار به صندوق بدهکار است. دستاوردهای میلی در پس‌زمینه‌شکننده آرژانتین بسیار چشمگیر است. ماه گذشته نرخ تورم به ۳۹درصد کاهش پیدا کرد؛ کاهش شدید از اوج نرخ تورم در آوریل ۲۰۲۴ که ۲۹۰درصد بود، اقتصاد رو به بهبودی است؛ پس از دو سال رکود اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی در سال جاری می‌تواند از ۵درصد فراتر رود. حالا اوضاع همه‌جوره هم خوب نیست. برنامه «شوکرمانی» میلی از کاهش سریع و عمیق هزینه‌های عمومی منجر به فرسایش خدمات عمومی در زمانی شده که بیش از نیمی از کشور در فقر زندگی می‌کنند. درحالی‌که افزایش کمک‌های هزینه‌های کودکان و بودجه خدمات اجتماعی کار را برای برخی راحت کرده است، کاهش هزینه بهداشت عمومی و برنامه‌های اجتماعی به‌طور نامتناسبی به فقرا فشار آورده است. علاوه بر این موضوع، دو مشکل اصلی در سیاست اقتصادی در آرژانتین وجود دارد. اولی این است که‌بخش قابل توجهی از تعدیل مالی به کاهش هزینه‌ها در سرمایه‌گذاری‌های عمومی و حمل و نقل بین استانی متکی بوده که به‌راحتی قابل تحمل نخواهد بود. دوم این است که یکی از مکانیسم‌های مرکزی آرژانتین برای کاهش تورم، به‌ثبت رساندن نرخ ارز یزو بوده که هزینه‌واردات را کاهش می‌دهدو سطح کلی قیمت‌ها را قابل کنترل می‌کند. اما این الگوی کاملاً آشنا در شیوه اتثبیت بر اساس نرخ ارز» رسیدن به کاهش تورم به قیمت افزایش بسیار زیاد کسری تجاری، به لطف جهش قابل‌پیش‌بینی در واردات است. این به نوبه خود ذخیره ارز خارجی را مشکل می‌کند که آسیب‌پذیری بزرگی برای کشورهایی مانند آرژانتین است که در ابتدا دلار کمباب است. آرژانتینی‌ها با احساس خطر کاهش ارزش پول، اخیراً به خرید دلار در مقادیر فزاینده‌ای روی آورده‌اند. انتخابات‌ها در آمریکای جنوبی می‌توانند مشخصه‌های شبه‌آونگی باشند. دوران ۲۰۲۱-۲۰۲۲ چرخشی به سمت چپ‌گرایان با «موج صورتی» ایجاد کرد که‌منجر به پیروزی بوریک در شیلی، پترودر کلمبیا، لولا در برزیل و کاستلو در پرو شد. این امکان وجود دارد که در این دوره از انتخابات‌ها آونگ به سمت راست‌گرایان بچرخد. به همین ترتیب اعتماد بازار درباره امور مالی عمومی در منطقه چنانچه سیاست‌های منطقه به‌طور ممبمی شبه‌میلی باشد، ممکن است تقویت شود. با این حال، تصمیم ترامپ برای اعمال تعرفه‌های ۵۰درصدی بر واردات از برزیل هدیه‌ای سیاسی به رئیس جمهور لولا بود و متعاقباً امیدهای فر ماندار، سانویانو، نامزد احتمالی راست‌گرایان در انتخابات اکتبر آینده را از بین برده است. و در کلمبیا، در حالی که محبوبیت رئیس‌جمهور پترو به ۲۹درصد کاهش پیدا کرده، هویت جانشین او در میان نامزدهایی که تعدادشان به ۷۰ نفر می‌رسد، نامشخص است.

از قضا کشور‌های آمریکای جنوبی که کمترین نیاز را به تعدیل مالی دارند، بیشتر به سمت راست‌گرایان متمایل می‌شوند. هم نامزدهای راست افراطی و هم راست میانه پیش از انتخابات شیلی در ماه نوامبر هم‌اکنون در نظرسنجی‌ها عملکرد خوبی دارند. در مورد انتخابات پرو هنوز باید منتظر ماند اما ممکن است به سمت رئیس‌جمهوری راست‌گرا برود. دونالد ترامپ هم‌اکنون بر حمایت متحدان منطقه‌ای از میلی در آرژانتین گرفته تا بوکوله‌له در السالوادو تا نوبوادر اکوادور حساب کرده است.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

یک سال و ۹ ماه از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، روزی که حماس به اسرائیل حمله کرد، می‌گذرد و حالا همانگونه که دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرده گرسنگی به ابزار جنگی اسرائیل در نوار غزه تبدیل شده است. به گفته وزارت بهداشت غزه، بیش از ۶۰هزار فلسطینی کشته شده‌اند و سازمان IPC که با پشتوانه سازمان ملل مسئول نظارت بر گرسنگی در جهان است اعلام کرده که «بدترین سناریوی فحطی» هم اکنون در غزه در جریان است. حالا وخامت اوضاع در غزه باعث شده تا جامعه جهانی در خواست تکراری خود مبنی بر راه‌حل دودولتی با دوکشوری را مطرح کند که تحت آن اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها می‌توانند در کمال صلح و امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند. در یک هفته گذشته در رسانه‌های فرانسوی انتشار تصاویری از کودکانی که استخوان‌هایشان به‌پوست چسبیده باعث شد تا امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در پستی در شبکه ایکس بنویسد: «در راستای تعهد تاریخی به صلحی عادلانه و پایدار در خاورمیانه، من تصمیم گرفتم که فرانسه، کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد.» و این اقدام قرار است در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در اواخر سپتامبر انجام شود. از همان ابتدا فشارها بر دولت انگلستان بود تا پس از فرانسه دومین کشور قدتمدن غربی و عضو گروه هفت باشد که فلسطین را به رسمیت می‌شناسد. در نهایت روز گذشته کی‌ر استارمر، نخست‌وزیر انگلستان اعلام کرد در صورتی که اسرائیل برای آتش‌بس با حماس توافق نکند، دولت انگلیس نیز در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در ماه سپتامبر در نیویورک برگزار می‌شود، کشور فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت. بیانیه استارمر پس از جلسه‌فوری با اعضای کابینه‌اش بود که چرخشی قاطعانه به‌نظر می‌رسید. استارمر علاوه بر آتش‌بس گفت که دولت اسرائیل نباید اراضی اشغالی در کرانه باختری را الحاق کند و باید به فرآیند صلحی متعهد شود که به تشکیل کشور فلسطین در کنار اسرائیل منجر خواهد شد. احتمال اینکه دولت راست‌گرای بنیامین نتانیاهو به این درخواست‌ها تن دهد، بسیار کم است. نتانیاهو اخیراً اعلام کرد که کشور فلسطین «سکوبی برای نابودی اسرائیل» خواهد بود. اما در عین حال با توجه به روابط دیپلماتیک نزدیک بریتانیا و آمریکا، این اقدام دولت بریتانیا از نظر سمبلیک وزنه سنگینی دارد؛ کشوری که در سال ۱۹۱۷ نقش مهمی در پیدایش اسرائیل در اراضی فلسطین‌ها بازی کرد. اما به رسمیت شناختن کشور فلسطین به چه معناست؟ با توجه به شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل در اراضی فلسطینی‌ها در کرانه باختری چگونه قرار است یهودی‌های ساکن این شهرک‌ها تحت حکومت فلسطینی‌ها زندگی کنند؟ آیا راه‌حل دوکشوری اساساً قابل اجراست یا صرفاً رویایی است غیرممکن؟

▼ راه‌حل دوکشوری یعنی چه؟

در میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد تاکنون ۱۴۷ کشور فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند. طارق باقونی، رئیس اندیشکده شبکه (شبکه سیاست فلسطین) سال گذشته در نیویورک تایمز نوشت راه‌حل دودولتی تمام معنای خود را از دست داده است. او می‌نویسد، باوجود مخالفت سرسختانه اسرائیل «در طی سال‌ها، با بسیاری از دیپلمات‌های غربی که روبه‌رو شده‌ام در محافل خصوصی دیده‌ام که در برابر چشم‌انداز دوکشوری پشت چشمی

نازک می‌کنند، حتی با اینکه سیاستمداران آنها این عبارت را به‌شکل بسیار زننده‌ای تکرار می‌کنند.» در واقع مفهوم دوکشوری به یکی از محورهای اصلی و پایدار برای مطیع‌سازی فلسطینیان و معافیت از مجازات اسرائیلی‌ها تبدیل شده است. همانگونه که طارق باقونی می‌گوید مطرح کردن ایده دوکشوری به عنوان مسیری برای برقراری عدالت در دل خود عادی‌سازی خشونت را دارد که روزانه از سوی رژیم آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینی‌ها در جریان است.

بسیاری از حقوق‌دان‌های بین‌المللی، امدادگران و سیاستمداران، اقدامات اسرائیل رانسل کشی توصیف کرده‌اند. به گزارش گاردین کارشناسان دیوان کیفری بین‌المللی می‌گویند رای نهایی در مورد ارتکاب اسرائیل به‌نسل کشی در غزه احتمالاً تا قبل از پایان ۲۰۲۷ صادر نخواهد شد. اسرائیل در ابتدا قرار بود در روز دوشنبه دفاعیات خود را در برابر اتهام‌نسل‌کشی که از سوی آفریقای جنوبی به‌دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده بود، ارائه کند اما دادگاه به وکلا ۶ ماه دیگر وقت داده است.

فرانسه از روز دوشنبه به همراه عربستان سعودی نشستنی سهروزه را درباره درگیری اسرائیل و فلسطین در سازمان ملل آغاز کرد. ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه در آغاز این نشست گفت که «هیچ آلترناتیوی وجود ندارد». بارو همچنین در گفت‌وگو با یکی از هفته‌نامه‌های فرانسوی گفت که کشورهای اروپایی دیگری هم «تمایل دارند که کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند.»

در سال ۱۹۴۷، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل به تقسیم‌بندی فلسطین، که در آن زمان تحت قیمومت بریتانیا قرار داشت، به دو کشور مستقل، یکی یهود و بقیه عرب را تصویب کرد. یک سال بعد، کشور اسرائیل تشکیل شد. به‌مدت چندین دهه، اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل از ایده راه‌حل دوکشوری و همزیستی اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در کنار یکدیگر حمایت کردند اما پس از ۲۱ ماه جنگ در غزه، گسترش ادامه‌دار شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها در کرانه باختری و اظهارات مقامات اسرائیلی مبنی بر الحاق مناطق اشغالی کرانه باختری، تشکیل کشور فلسطین را از نظر جغرافیایی غیرممکن کرده است. نشست سازمان ملل علاوه بر به رسمیت شناختن کشور فلسطین بر سه موضوع دیگر متمرکز خواهد بود: اصلاحات در تشکیلات خودگردان فلسطین، خلع سلاح حماس و حذف این گروه از زندگی فلسطینیان و همچنین عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی.

به‌رغم افزایش فشارهای بین‌المللی، اسرائیل و آمریکا در این نشست شرکت نکردند. وزارت خارجه آمریکا این کنفرانس را «نمایش تبلیغاتی» توصیف کرد که رسیدن به صلح را سخت‌تر می‌کند. او این نشست سهروزه را «غیرسازنده و نامناسب» برشمرد و این فشار دیپلماتیک را «جایزه‌ای برای تروریسم» دانست.

▼ دوکشوری فقط به مرزبندی بر نمی‌گردد

اینکه اسرائیل بتواند در کنار کشور تازه‌تاسیس فلسطین زندگی کند برای حل بحران دیده‌شده به چه معناست؟ راه‌حل دودولتی یعنی تصمیم‌گیری در این باره که این سرزمین چگونه بین افرادی که در آن زندگی می‌کنند و افرادی که کنترل آن را در دست دارند تقسیم خواهد شد. به گزارش الجزیره ممکن است فکر کنید که این راه‌حل یعنی فقط اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بر سر یک تقسیم‌بندی ساده توافق کنند اما هیچ چیز در مورد این توافق ساده نخواهد بود. در وهله اول کافی است که به نقشه جغرافیا نگاه کنید. اراضی فلسطینی که تحت کنترل ارتش اسرائیل قرار دارند تکه‌تکه شده و در سمت دیگر که نوار غزه قرار دارد به ویرانه‌ای تبدیل شده است. کرانه باختری بر اثر سال‌ها شهرک‌سازی‌های اسرائیلی‌ها که تحت قوانین بین‌المللی غیرقانونی تلقی

مسیر سخت راه

به رسمیت شناختن فلسطین از سوی قدرت

می‌شوند، چندپاره شده است. هم‌اکنون ۷۰۰هزار شهرک‌نشین اسرائیلی در اراضی فلسطینی‌زندگی می‌کنند که مسیر رسیدن به کشور فلسطینی پیچیده‌تر می‌شود. دینا بونو، حقوق‌دان و تحلیلگر فلسطینی می‌گوید: «اگر مسئله دوکشوری و مرزبندی بود، باور کنید که مرزها خیلی وقت پیش کشیده شده بودند.» مشکل اینجاست که مسئله هیچ‌وقت مرزکشی نبوده و اساساً به رعایت حقوق افراد و حتی تاریخ برمی‌گردد. درگیری بر سر اراضی فلسطینی قدمتی هزارساله دارد و در طول تاریخ تحت کنترل پادشاهی‌ها و امپراتوری‌های باستانی مختلفی قرار گرفته است. در دوران مدرن فلسطین بخشی از امپراتوری عثمانی بود اما بریتانیایی‌ها در طول جنگ جهانی اول کنترل آن را به‌دست گرفتند که بعدها به «فلسطین تحت قیمومت بریتانیا» شناخته شد. به گزارش الجزیره سرشماری سال ۱۹۲۲ جمعیت آن را ۷۸درصد مسلمان، ۱۱درصد یهودی و ۱۰درصد مسیحی نشان داد. بریتانیایی‌ها حتی پیش از به‌دست گرفتن کنترل فلسطین در «بیانیه بلفور» از ایده تشکیل سرزمینی یهودنشین در فلسطین حمایت کردند و به یهودی‌ها وعده سرزمین ملی در فلسطین دادند که از اهداف جنبش صهیونیسم بود. این بیانیه یهودی‌ها را تشویق کرد تا به فلسطین تحت قیمومت بریتانیا نقل مکان کنند. در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ زمانی که تعداد بیشتری از اروپایی‌ها از افزایش ظلم و ستم‌فرار می‌کردند، افزایش جمعیت یهودی‌ها منجر به ایجاد تنش با جمعیت اعراب محلی شد. تنش‌ها میان گروه‌های مسلح یهودی و اعراب بالا گرفت. یک کمیسیون بریتانیایی پیشنهاد تقسیم‌بندی اراضی را داد اما هیچ حمایتی از این ایده وجود نداشت و ناراضیاتی‌ها به مر حله تروریسم ارتقا پیدا کرد. در سال‌های ۱۹۴۰، مسئله فلسطین فوریت بیشتری پیدا کرد و فشارها برای ایجاد سرزمین یهود به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و هولوکاست افزایش یافت. سال ۱۹۴۷ بود که بریتانیا از سازمان ملل خواست تا پیشنهاداتی را برای دولت آینده فلسطین ارائه کند و این نهاد هم طرح تقسیم‌سازی دیگری ارائه کردند که بر اساس آن ۵۶درصد از اراضی را به کشور یهود اختصاص داد و ۴۳درصد را به اعراب. اراضی باقی‌مانده از جمله اورشلیم با تمام مکان‌های مقدسش تحت کنترل بین‌المللی قرار می‌گرفتند. مجمع عمومی سازمان ملل به این طرح رای داد، رهبران یهود آن را پذیرفتند اما رهبران عرب به‌ویژه به این دلیل که جمعیت اعراب در اکثریت قرار داشت آن را به‌شدت غیرمنصفانه دانستند و رد کردند. یک‌سال بعد اسرائیل خود را کشور اعلام کرد و پنج کشور عربی با اسرائیل وارد جنگ شدند. اسرائیل آن را جنگ استقلال نامید و فلسطینی‌ها آن را نکتب به‌معنای فاجعه. در این درگیری بیش از ۷۰۰هزار فلسطینی فرار کردند یا مجبور به ترک خانه‌هایشان شدند. خیلی‌ها سر از اردن، لبنان و سوریه درآوردند.

سوال مهمی که اینجا وجود دارد این است، زمانی که درباره یک کشور فلسطینی صحبت می‌کنیم آیا فلسطینی‌ها و نوادگان آنها می‌توانند بر اساس «حق بازگشت» به خانه‌های خود برگردند یا نه. حالا پس از جنگ ۱۹۴۸، اسرائیل ۷۸درصد از اراضی که بسیار بیشتر از طرح تقسیم‌بندی سازمان ملل بود را به خود اختصاص داده و ۲۲درصد از اراضی را برای فلسطینی‌ها باقی گذاشت و آن را بین کرانه باختری و اورشلیم شرقی تقسیم کرد که اردن کنترل را در دست داشت و مصر هم کنترل نوار غزه را برعهده گرفت. به این مرزها «خط سبز ۱۹۶۷» گفته می‌شود که همچنان هم مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی اسرائیل به‌شمار می‌روند. صحبت از راه‌حل دوکشوری کمابیش همان تصور ذهنی از تقسیم‌بندی است. اما در سال ۱۹۶۷، جنگ دیگری رخ داد. اسرائیل، اردن و مصر را به عقب راند، کنترل کرانه باختری و اورشلیم شرقی و غزه را به‌دست گرفت و محاصره نظامی خود را آغاز کرد. به گفته بوتو پساری از کشورها فشار بر فلسطین را آغاز کردند تا موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد که ۷۸درصد از سرزمین تاریخی شان

